

مطالعه کیفی علل و زمینه‌های خشونت نوجوانان دبیرستانی

دکتر مهران سهراب‌زاده^۱ و محمد سلیمان‌نژاد^۲

تاریخ وصول: ۹۷/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۱۴

چکیده:

در سال‌های اخیر پدیده خشونت در بین نوجوانان به دغدغه اصلی جامعه‌شناسان، خانواده‌ها و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت تبدیل شده است. این مطالعه باهدف بررسی کیفی پدیده خشونت در بین نوجوانان دبیرستانی در صدد آن است تا درک روشنی از دلایل و زمینه‌های خشونت و گسترش آن در سطح مدارس فراهم نماید. ملاحظات نظری تحقیق بر اساس دیدگاه جامعه‌شناسان و نظریات مرتبط با آسیب‌های اجتماعی تدوین گردیده است. این پژوهش به روش کیفی و رویکرد گراند تئوری انجام شده است. روش نمونه‌گیری، هدفمند و با راهبرد نمونه‌گیری نظری انجام شده و روش جمع‌آوری داده‌ها نیز مصاحبه عمیق نیمه‌ساختار یافته با ۱۷ نفر از دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در دبیرستان‌ها و هنرستان‌های شهر دهلران بوده است. یافته‌ها متشکل از ۳۷ کد مفهومی و ۸ مقوله اصلی شامل قلدرمآبی اجتماعی، مقاومت و نافرمانی، خودابرازی بدنی، کاهش سطح تاب‌آوری اجتماعی، تکلم تنازع‌آمیز، میل‌طلبی و دگرآزاری جنسی، تنش و امکان فروپاشی خانوادگی و برون‌ریزی ملتهبانه خشم است که پدیده اصلی پژوهش با توجه به مقولات شکل گرفته «صورت‌های بازنمایی خشونت» نام‌گذاری شده است.

مفاهیم کلیدی: گراند تئوری، خشونت، تاب‌آوری اجتماعی، مقاومت - جبران، مسائل خانوادگی

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران ms3102002@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، (نویسنده مسئول) msdt59@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

یکی از مشکلات رفتاری که در بین دانش‌آموزان به‌خصوص در دبیرستان‌ها بیشتر دیده می‌شود، پدیده‌ی خشونت^۱ و پرخاشگری^۲ است. این مسئله یکی از آسیب‌های رفتاری و اجتماعی است که در همه‌ی جوامع و در مکان‌های عمومی و خصوصی عمومیت داشته و از نظر زمانی در همه‌ی اعصار همراه بشر بوده است. اما در جامعه‌ی امروز با وجود پیشرفت‌های فرهنگی و فکری، در بیشتر کشورها، حتی کشورهای توسعه‌یافته و در تمامی گروه‌های اجتماعی و طبقاتی دیده می‌شود (Yazdkhast and Shiri, 2008)؛ و به رفتاری عادی تبدیل شده است. خشونت پدیده‌ای پیچیده و گسترده است که در اشکال گوناگونی از قبیل خشونت علیه زنان، مردان، کودکان، افراد مسن و غیره مشاهده می‌شود، اما یک نوع جدیدتر آن که طی سال‌های اخیر در بین نوجوانان رواج یافته است، خشونت در سطح مدارس می‌باشد. پرخاشگری معلول عوامل مختلفی در محیط‌های خانوادگی، مدارس و ساختارهای جامعه است. با توجه به چندوجهی بودن پدیده‌های اجتماعی، همواره پدیده‌ی خشونت در کنار دیگر آسیب‌های اجتماعی در مدارس دیده می‌شود. رفتارهای همراه با خشونت وقتی بروز می‌کنند که فرد از موفقیتی که خشنودش می‌سازد دور سازیم و یا او را از رسیدن به مطلوب مورد انتظارش بازداریم. پرخاشگری؛ واکنشی است که هدف آن رفع مانع و حذف عامل تهدید است.

نوجوانی، سال‌های تغییر و تحول در همه‌ی جنبه‌های رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی است و آشنایی نوجوانان با معیارهای رشد و سلامت، به ایجاد زندگی سالم و پرنشاط برای آنان کمک فراوانی خواهد کرد. نوجوانان سرمایه‌های آینده‌ی هر جامعه‌ای هستند و هر اندازه که از سلامت کافی برخوردار باشند، رشد و پیشرفت جامعه را تضمین خواهند کرد. یکی از اولین گام‌ها در راه حفظ سلامت نوجوانان شناخت عوامل پدیدآورنده و مؤثر بر خشونت است. پرخاشگری همه‌ی ابعاد رشد و سلامت نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رشد جسمی آنان را به علت ایجاد استرس و تنش فراوان مختل می‌سازد. بر رشد ذهنی یا شناختی تأثیرات کاهنده و فرسایشی بر جای می‌گذارد و یادگیری و پیشرفت تحصیلی را کاهش می‌دهد و رشد عاطفی - روانی را با مشکلات متعددی روبه‌رو می‌سازد و سازگاری اجتماعی و ارتباط مناسب با دیگران (همسالان و بزرگسالان) را دچار اختلال می‌سازد. از این‌رو، پرهیز از پرخاشگری نقش مؤثری در حفظ و

¹ violence

² aggression

تأمین سلامت جسمی، روانی و اجتماعی نوجوانان دارد و به‌عنوان یک راهکار چه در سطح پیشگیری و چه از نظر درمان مطرح می‌شود. پرخاشگری معمولاً رفتاری است که هدف آن صدمه زدن جسمانی یا زبانی به فرد دیگر یا نابود کردن دارایی افراد است. پرخاشگری ممکن است به شیوه‌های متفاوتی خود را نشان دهد. خصومت، نشان‌دهنده‌ی جنبه‌ی شناختی پرخاشگری و خشم، نشان‌دهنده‌ی جنبه‌ی هیجانی آن است. جنبه‌ی رفتاری پرخاشگری نیز به شکل کلامی و جسمانی بروز می‌کند (Khazaei & et al, 2011). گاهی رفتارهای پرخاشگرانه ناشی از یک احساس ناامنی است که در حقیقت این رفتار یک پاسخ دفاعی به وضعیت ناامنی است که فرد در آن قرار گرفته است (ALahiyari, 1997). هر گاه نوجوان در معرض فشارهای روانی قرار گیرد و نتواند به‌طور طبیعی آن‌ها را برای خود حل کند، ممکن است دست به اعمال توأم با خشونت بزند. بررسی‌ها و مشاهدات نشان داده‌اند که نوجوانان پرخاشگر تمایل به ادامه‌ی پرخاشگری در بزرگسالی نیز دارند. از این‌رو، خشونت در بین نوجوانان به ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی منجر می‌شود (Akeres, 1998). بر نقش خانواده و همسالان در شکل‌گیری رفتارهای خشونت‌ی اشاره می‌کند. Freud & Loretz نیز معتقدند که پرخاشگری یک رفتار است که ریشه در ذات و فطرت انسان دارد، البته عواملی که در پیرامون زندگی انسان هستند می‌توانند در بروز یا تشدید پرخاشگری و تخفیف یا تعدیل آن اثرگذار باشند. بهترین و جامع‌ترین تعریف از پرخاشگری توسط Brown ارائه شده است، وی پرخاشگری را هر نوع عمل و رفتاری می‌داند که به‌طور مستقیم در جهت هدفی و به منظور آزار و اذیت رساندن به دیگران اعمال می‌شود؛ همچنین پرخاشگری را می‌توان هر گونه رفتاری دانست که متوجه آسیب رساندن و یا مجروح ساختن موجودی دیگر است. به‌طور کلی می‌توان عوامل بسیار مختلف و متعددی را در بروز رفتار پرخاشگرانه مؤثر دانست. عوامل زیستی و وراثتی، یادگیری‌های محیطی و پردازش‌های شناختی و از سوی دیگر محرک‌های مربوط به خود فرد از جمله عوامل مهم در بروز پرخاشگری هستند. همین‌طور نظریه‌های مختلفی در مورد درمان و کنترل پرخاشگری مطرح شده است که هر یک از آن‌ها، پژوهش‌های بسیار گسترده‌ای را به دنبال داشته‌اند. برخی معتقدند که اگر پرخاشگری را به مسیرهای مناسب و سالم‌تر هدایت کنیم از پیامدهای مخرب این رفتار کاسته می‌شود (Karimi, 2000).

دلیل اینکه، پدیده‌ی خشونت در بین دانش‌آموزان دبیرستانی و هنرستانی برای این مطالعه انتخاب شده است؛ به خاطر این است که در سال‌های اخیر با روند افزایش شیوع خشونت در سطح مدارس مواجه هستیم. برای مطالعه‌ی رفتارهای خشونت‌آمیز بهترین

گروه سنی نوجوانان و جوانان هستند، زیرا در آستانه‌ی ورود به جامعه‌ی وسیع‌تر قرار دارند و هویت افراد در این سنین تحت تأثیر عوامل اجتماعی شدن شکل می‌گیرد و از طرفی بیش از هر گروه سنی دیگر در معرض رفتارهای خشونت‌آمیز قرار می‌گیرند. با توجه به مسئله‌ی بودن خشونت در سطح مدارس متوسطه و فراوانی بالای آن این پژوهش در صدد است تا علت و عوامل زمینه‌ساز آن را مورد بررسی و واکاوی قرار دهد. از آنجا که عوامل زمینه‌ساز خشونت بیشتر جنبه‌ی فرهنگی و ذهنی دارد، این پژوهش از روش کیفی برای مشخص نمودن علت و عوامل زمینه‌ساز آن در بین نوجوانان دبیرستانی بهره گرفته است. بدین ترتیب هدف اصلی این مطالعه واکاوی تجارب نوجوانان از خشونت در مدارس است و به دنبال این هستیم که نوجوانان چه برداشتی از خشونت دارند. همچنین در پی شناسایی عوامل زمینه‌ساز خشونت در بین نوجوانان بوده و اینکه خشونت چه پیامدهایی در سطوح فردی، مدرسه‌ای و نظام اجتماعی به دنبال دارد. در نهایت بر اساس نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر برای کاهش و تعدیل خشونت در بین نوجوانان راهکارهایی را ارائه نماییم.

پیشینه تجربی پژوهش

پیشینه‌ی تجربی پژوهش، بررسی تحلیلی آثار صاحب‌نظران و پژوهشگران در یک موضوع خاص است. از این‌رو، فعالیتی فکری (تحلیلی و انتقادی) می‌باشد که طی آن پژوهشگر، متون و آثار موجود در زمینه‌ی پژوهش را شناسایی می‌کند و بر اساس یک الگوی مشخص و با در نظر داشتن هدف خاص پژوهش خود، آن‌ها را بررسی، تحلیل و نقد می‌کند تا در راستای پژوهش خود از آن‌ها استفاده کند. آمارها و شواهد نشان می‌دهند که در مدارس کشور، خشونت به‌صورت روزافزونی در میان نوجوانان گسترش یافته است؛ تا جایی که نوجوانان برای دفاع از خود، آلاتی همچون چاقو، قمه و غیره به همراه دارند (*Nikakhtar, 1999; Sakhvat, 2002; Latifabadi, 2002; Zarei, 2004; Lavasani & et. al., 2008; Navah & et. al., 2012; Qaderzadeh and Ghaderi, 2016*).

الف) تحقیقات داخلی

سهراب‌زاده و منصوریان راوندی (۱۳۹۶)، در پژوهشی کیفی با هدف مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی زنان از خشونت کلامی، ۱۱ نفر از زنانی را که به مراکز مشاوره‌ی شهر کاشان مراجعه کرده بودند، با استفاده از تکنیک مصاحبه‌ی عمیق، مورد مطالعه قرار دادند.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد خشونت کلامی در پوشش شوخی، پایین آوردن ارزش و احترام زن، برخورد تحکم‌آمیز با زن، سیستم اجتماعی شدن نامناسب، تبعیض و نابرابری جنسیتی، ضعف قوانین، ارزش‌های مردسالاری و یادگیری اجتماعی از عوامل مهم و مؤثر بر دلایل بروز خشونت کلامی بوده‌اند (*Sohrabzadeh and Mansoorian, 2015*: 245). (Ravandi, 2017).

محمدزاده و همکاران (۱۳۹۴)، در تحقیقی دیگر با هدف بررسی دلایل انجام برخی رفتارهای نژند اجتماعی توسط دانشجویان دانشگاه آزاد واحد ایلام و ارائه راهکارهایی در جهت رفع این معضل اجتماعی به روش کمی انجام داده‌اند. نتایج حاصل از بررسی فرضیات پژوهش نشان می‌دهد که بین سابقه‌ی درگیری و نزاع، ارتباط با گروه همسالان، گسیختگی و آشفتگی خانواده و پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و بروز رفتارهای وندالیستی رابطه وجود داشته و بین استفاده از رسانه‌ها و نظارت خانوادگی با بروز رفتارهای وندالیستی رابطه وجود ندارد (*Mohammadzadeh & et al, 2015*).

بابائی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با هدف بررسی عوامل و ریشه‌های خشونت رفتاری در بین دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه آذرشهر با استفاده از روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه انجام داده‌اند. نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد متغیرهای مستقل ناکامی، غیبت والدین، یادگیری اجتماعی، شیوه‌های انضباطی، رسانه‌های همگانی، خشونت والدین و محیط آلوده زندگی دارای همبستگی مثبت با متغیر وابسته‌ی خشونت رفتاری دارند (*Babaei & et al, 2013: 1*).

گلچین و حیدری (۱۳۹۱)، در بررسی خشونت بین فردی و سرمایه‌ی اجتماعی خانواده و مدرسه در دبیرستان‌های پسرانه‌ی نورآباد لرستان به این نتیجه دست یافته‌اند که هر قدر تعلق به مدرسه، درآمد خانواده، اعتماد در مدرسه و حمایت خانوادگی بالاتر باشد، خشونت بین فردی، لفظی و فیزیکی دانش‌آموزان ملایم خواهد بود (*Golchin and Heidari, 2012: 177*).

پارسامهر و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی تأثیر پیوند اجتماعی خانواده بر خشونت میان فردی نوجوانان پسر شهر یزد بررسی نموده است. نتایج نشان می‌دهند بین متغیرهای کنترل والدین، دلبستگی به خانواده، توافق والدین، سن، پایه‌ی تحصیلی و خشونت میان فردی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد (*Parsamehr & et al, 2010: 71*).

در تحقیقی که فاضل (۱۳۸۷)، انجام داده است مهم‌ترین علل رفتارهای خشونت‌آمیز را در موارد زیر یافته است: ۱- ضعیف بودن زمینه‌ی درسی دانش‌آموز نسبت به محتوای

آموزشی کلاسی؛ ۲- طرفداری مدیر مدرسه از معلم در مواردی که حق با دانش‌آموز است و در نتیجه به وجود آمدن عقده در دانش‌آموز؛ ۳- عدم ثبات عاطفی در محیط خانواده و نبودن کنترل مناسب در مورد رفت و آمدهای فرزندان و ایجاد یأس نسبت به مطلوب بودن محیط خانه و مدرسه در دانش‌آموزان مدرسه‌گریز؛ ۴- مخاطب قرار دادن دانش‌آموز با القاب ناشایست و در نتیجه ایجاد زمینه‌ی تحقیر و گریز از مدرسه در آن‌ها؛ ۵- وجود فشارهای تحصیلی و پایین بودن توانایی‌های جسمی و ذهنی دانش‌آموزان برای آماده کردن خود در جهت اجرای برنامه‌های آموزشی؛ ۶- شرطی شدن دانش‌آموز با تجربه‌های ناخوشایند تحصیلی، اجتماعی و عاطفی در محیط مدرسه؛ ۷- نبود زمینه‌های تفریحی در محیط خانواده، مانند رفتن به پارک، سینما و انجام گردش‌های دسته‌جمعی (Fazel, 1999).

سهامی (۱۳۸۳)، در تحقیقی تحت عنوان بزهکاری و خرابکاری، به منظور بررسی علل و عوامل مؤثر بر وندالیسم به مطالعه‌ی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز پرداخته است. وندالیسم در این تحقیق به‌عنوان یک رفتار بزهکارانه مدنظر بوده است. تحقیق فوق با روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه‌ی خودگزارشی انجام‌گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در تجزیه و تحلیل دو متغیره، متغیرهای جنس، سن، محل زندگی، بعد خانوار، وضعیت تحصیلی فرد، تحصیلات مادر، منزلت شغلی پدر، تعهدات خانوادگی و دلبستگی خانوادگی رابطه‌ی معناداری با متغیر وابسته‌ی وندالیسم دارند. در تجزیه و تحلیل چند متغیره با استفاده از رگرسیون مرحله به مرحله، متغیر جنس، پایبندی به قوانین، سطح تعهدات و دلبستگی مدرسه‌ای، ساخت خانواده، احساس سرخوردگی و تحقیر شدن، رابطه‌ی معنی‌داری داشتند (Sahami, 2004:106).

ب) تحقیقات خارجی

در پژوهش‌های خارجی (Wandera & et. al. (2017) در پژوهشی با عنوان خشونت علیه کودکان اوگاندایی آن را پدیده‌ی جهانی دانسته‌اند که سلامت نوجوانان را تهدید می‌نماید. این محققین در یک مطالعه‌ی مقطعی ۳۷۰۶ پرسشنامه از ۴۲ مدرسه مورد تحلیل قرار داده‌اند که نتایج نشان می‌دهند بین ۲۹ تا ۳۴ درصد افراد در معرض خشونت فیزیکی و عاطفی قرار داشته‌اند.

نتایج مطالعات فراتحلیل *(Gershoff & Kaylor (2016)*، ارتباط مثبت بین مجازات تنبیه جسمانی و رفتار پرخاشگرانه و ضد اجتماعی را نشان می‌دهد که با کیفیت پایین رابطه‌ی والد - فرزندی همبستگی منفی دارد.

(Pardini & et. al. (2015) در تحقیق خود نشان داده‌اند که شرایط اجتماعی مانند محیط مدرسه و تعامل با همسالان بر رفتارهای خشونت‌آمیز و ضد اجتماعی از طریق غیر مستقیم تأثیر می‌گذارند.

بر اساس پژوهش *(Sawyer & et. al. (2015)* وجود خشونت در بین نوجوانان و در سطح مدارس موجب تسری آن به جامعه و تداوم الگوها و رفتارهای خشن در مناسبات اجتماعی می‌شود و موجب مشکلاتی در حوزه‌ی سلامت روان و هدر رفت منابع و فرصت‌ها می‌گردد. همچنین فرصت‌های آموزشی و اشتغال را زایل می‌کند.

(Biasi & et. al. (2015) در تحقیقی با عنوان عملکرد سازگاری و مشکلات رفتاری، عاطفی و اجتماعی دانشجویان ایتالیایی به این نتایج دست یافته است که اغلب دانشجویان، مشکلات اجتماعی و سازگاری در محیط دانشگاه را گزارش کرده بودند و مشکلات عاطفی، افسردگی و مشکلات روابط اجتماعی در بین آن‌ها وجود داشته است.

(Thawabieh & Al-Rofo (2010) در پژوهشی با عنوان خشونت در مدارس پسرانه جردن به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده بر روی ۲۳۷ دانش‌آموز انجام داده و یافته‌ها نشان می‌دهند بین مهارت‌های ارتباطی و عوامل ارتباطات انسانی، برنامه‌های آموزشی، عوامل خانوادگی و عوامل مدرسه و خشونت رابطه وجود داشته است.

نتایج پژوهش *(Joe (2010)* نشان داده است که آموزش مدیریت خشم به صورت فردی در منزل توسط فیلم‌های ویدئویی همانند شرکت در کلاس‌های آموزش مدیریت خشم تأثیر مثبت بر کنترل خشم دارد.

(Mayer & et. al. (2008) در تحقیقی با موضوع بررسی و اندازه‌گیری میزان خرابکاری در مدارس در دو شهر بزرگ کالیفرنیا و لس‌آنجلس انجام داده و با در نظر گرفتن متغیرهایی همچون سن، جنس، میزان تحصیلات، تفاوت‌های قومی، نژادی و ... به این نتیجه رسیده‌اند که محیط مدرسه و نوع برخورد مسئولین با دانش‌آموزان، ارتباط مستقیمی با رفتار خرابکارانه دارد و با افزایش میزان تحصیلات، میزان رفتارهای بزهکارانه و خرابکارانه نوجوانان به‌طور چشم‌گیری کاهش می‌یابد.

(Wright & Fitzpatrick (2006) به رفتارهای خشونت‌آمیز در سطح خانواده، محله و مدرسه پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد روابط بین والدین و فرزندان، احساس تعلق به

مدرسه، مشارکت در فعالیتهای ورزشی و شرکت در مراسم مذهبی با رفتار خشونت‌آمیز رابطه‌ی معنی‌دار دارند.

Ball (2006) در پژوهشی تحت عنوان کنترل تأثیرات عوامل خانوادگی بر روابط بین جوانانی که در معرض بزهکاری قرار گرفته‌اند، عقیده دارد که بزهکاری نوجوانان یک مسأله‌ی اجتماعی رو به رشد، جدی و پرهزینه در ایالات متحده است. به نظر بال، نوجوانان پسر نسبت به نوجوانان دختر نسبت بالاتری از انجام جرم و دستگیری را دارا هستند. به‌طور کلی، در این پژوهش، به نقش محرک‌های تنش‌زا و سن بزهکاری اشاره شده است؛ بدین ترتیب که این محرک‌های تنش‌زا، سن بزهکاری را پایین می‌آورند.

Skiba & Chloe (2002) تأیید می‌کنند که آموزش حل مسأله، راهی برای کنترل پرخاشگری است.

Lonesteen (1986) در تحقیقی با عنوان خرابکاری در مدرسه که روی ۶۷۵ نمونه‌ی آماری انجام داده به نتایج زیر دست یافته است: ۱- میزان رفتارهای ضد اجتماعی در بین دانش‌آموزان عضو دسته‌های بزهکار بیشتر از سایر دانش‌آموزان است؛ ۲- ساخت خانواده با میزان ارتکاب به تخریب‌گرایی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد؛ ۳- عدم وجود پدر بیشتر از نبودن مادر در خرابکاری مؤثر است.

با بررسی پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌ی خشونت، اندک کار علمی در خصوص نوجوانان صورت گرفته است و اکثر تحقیقات انجام‌شده مربوط به خشونت خانگی و زنان می‌باشد؛ همچنین بیشتر پژوهش‌های حوزه‌ی خشونت به روش کمی و پیمایشی انجام شده است، از این‌رو با روش کیفی می‌توان زوایای پنهان این پدیده را مورد واکاوی بیشتری قرار داد.

چهارچوب مفهومی پژوهش

خشونت و پرخاشگری از این منظر که در محدوده‌ی روابط متقابل اجتماعی قرار می‌گیرند، پدیده‌هایی اجتماعی و روانی محسوب می‌شوند و مطالعات تجربی و تحقیقات نظری آنها در حیطه‌ی روانشناسی اجتماعی است (*Babaei & et. al., 2013:2*). ویلسون و هرنشتاین محیط خانواده و تجربه‌های نخستین فرد در مدرسه را از مهم‌ترین علل اجتماعی مؤثر در رفتارهای خشن به حساب می‌آورند (*Salimi and Davari, 2007:411*). وقتی فرد در محیط مدرسه رفتارهای خشونت‌آمیز را مشاهده می‌نماید و یا قربانی خشونت افراد زورگو قرار می‌گیرد، بر اساس دیدگاه یادگیری اجتماعی این رفتارها

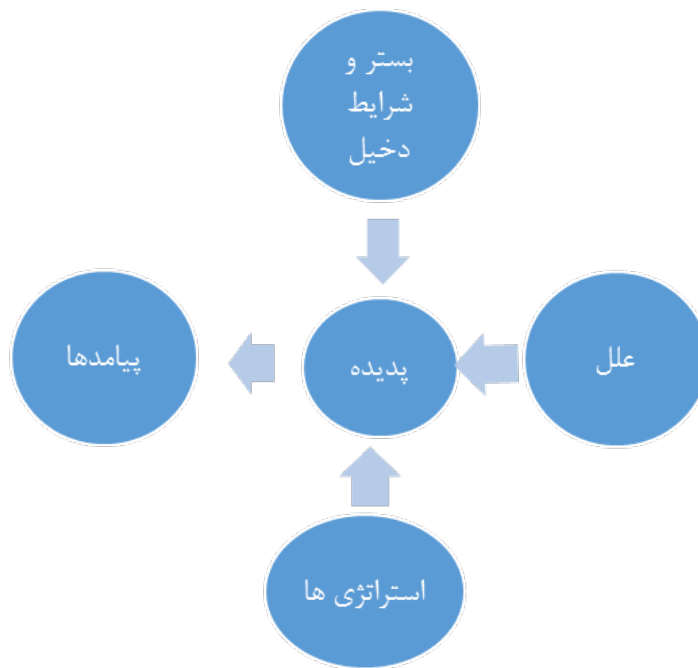
در دیگر مناسبات اجتماعی و در بزرگسالی اعمال می‌شوند و در نتیجه به صورت یک چرخه، خشونت تولید و بازتولید می‌گردد. خشونت در جامعه‌ی امروزی به یک معضل اجتماعی رو به رشد و به‌عنوان بخشی از رفتار معمولی تبدیل شده است. خشونت را می‌توان عملی آسیب‌رسان دانست که فرد برای پیشبرد مقاصد خویش انجام می‌دهد و صرفاً جنبه‌ی فیزیکی (بدنی) ندارد، بلکه ممکن است ابعاد روانی (فحاشی، تحقیر، منزوی کردن فرد، داد و فریاد)، جنسی (آزار و مزاحمت جنسی، تجاوز) هم به خود بگیرد (Darvishpour, 1999:50). طبق تعریف بهداشت جهان^۱، خشونت استفاده‌ی عمدی از زور یا قدرت فیزیکی، تهدید و یا عمل خشن علیه خود، فرد دیگر یا در برابر گروه و جامعه است که این اعمال منجر به جراحت، مرگ، آسیب روانی و مشکلات تکاملی و یا محرومیت می‌شود (Krug & Mercy, 2002: 1084). گلز و استراوس که در زمینه‌ی خشونت مطالعات متممادی داشته‌اند، خشونت را رفتاری با قصد و نیت آشکار یا رفتاری با قصد و نیت پنهان اما قابل درک، برای وارد آوردن آسیب فیزیکی به فرد دیگر تعریف کرده‌اند (Ezazi, 2001:24).

در تحقیقات کیفی، برداشت و دیدگاه مشارکت‌کنندگان در تحقیق و تجارب زیسته‌ی آن‌ها از موضوع، اهمیت دارد، بنابراین محقق الزامی در استفاده از نظریه‌های جافتاده ندارد و از مفاهیم نظری موجود برای پیشینه‌ی تحقیق، شکل‌گیری پرسش‌ها، استناد و مقایسه استفاده می‌نمایند (Sepidnameh & et. al, 2016). در این بخش دیدگاه‌های نظری در مورد خشونت ذکر می‌گردد: بر اساس نظریه‌ی ناکامی - پرخاشگری؛ پرخاشگری می‌تواند به خاطر موقعیت ناخوشایند یا ملال‌انگیز از قبیل درد، دلتنگی و غیره باشد. مهم‌ترین عامل در ایجاد پرخاشگری ناکامی است. اگر فرد در نیل به هدف خود با شکست مواجه شود احتمال پاسخ پرخاشگرانه در او افزایش می‌یابد (Mohseni Tabrizi, 2004: 131). بر اساس نظریه‌ی یادگیری اجتماعی همان‌گونه که کودکان مهارت‌های شناختی و اجتماعی را از طریق مشاهده‌ی عملکرد اطرافیان می‌آموزند، با تماشای اعمال پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز یاد می‌گیرند که پرخاشگرانه رفتار کنند (Hosseini Anjedani, 2008:84). آلبرت بندورا نظریه‌پرداز اصلی این دیدگاه معتقد است از آنجا که بخش اعظم یادگیری مردم از طریق مشاهده در محیط پیرامون‌شان صورت می‌گیرد بنابراین کودکان و نوجوانانی که در محیط‌های خانوادگی و اجتماعی خشونت‌زا هستند، نسبت به سایر کودکان و نوجوانان از میزان بالاتری از پرخاشگری برخوردارند، بنابراین بر اساس این دیدگاه یادگیری

^۱ World Health Organization (WHO)

خشونت در بستر اجتماع صورت می‌گیرد. باندورا بر الگوسازی پرخاشگری در سه موقعیت اجتماعی تأکید دارد: ۱- محیط خانواده؛ ۲- خرده فرهنگ‌ها؛ ۳- الگوی نمادین (Bandura, 1997). طبق نظریه‌ی پیوند افتراقی ساترلند، معاشرت با دوستان ناباب و منحرف، منجر به گرایش افراد به این‌گونه رفتارها می‌گردد و در این زمینه، شدت تماس با دیگران و نیز سن افراد در هنگام این تماس‌ها اهمیت دارد، به‌گونه‌ای که نوجوانان به میزان بیشتری از این معاشرت‌ها تأثیر می‌پذیرند. نکته‌ی اصلی نظریه‌ی ساترلند این است که افراد بدین علت کج‌رفتار می‌شوند که تعداد تماس‌های انحرافی آنان بیش از تماس‌های غیر انحرافی‌شان است. افراد از طریق ارتباط با دیگران که حامل هنجارهای تبهکارانه‌اند، بزهکار یا تبهکار می‌شوند. به نظر ساترلند، رفتار تبهکارانه اکثراً درون گروه‌های نخستین، به‌ویژه گروه همسالان فراگرفته می‌شود. بر طبق دیدگاه شناختی، فرایندهایی مانند استنباط‌ها و ادراک‌های فرد از رویدادها از عوامل اصلی به وجود آورنده‌ی رفتار پرخاشگرانه است. طبق این تئوری افراد پرخاشگر رفتار دیگران را به‌عنوان نشانه‌ی پرخاشگری تعبیر می‌کنند و بر این اساس عمل می‌کنند. از نظر نظریه‌پردازان انتقال فرهنگی، یادگیری فرهنگی مهم‌ترین نقش را در رفتار فرد دارد. همان‌طور که فرد رفتار بهنجار را یاد می‌گیرد، رفتار نابهنجار را نیز از طریق انتقال فرهنگ می‌آموزد، بنابراین رفتارهای خشونت‌آمیز افراد زاینده‌ی یادگیری فرد از جامعه است. بر اساس نظریه‌ی آنومی دورکیم، از هم‌پاشیدگی هنجارهای یک وضعیت، آرزوهای بی‌حد و حصر یا آنومی به وجود می‌آورد و نتیجه‌ی آن، نارضایتی اجتماعی است که به‌صورت رفتارهای خشونت‌آمیز ظاهر می‌شود (Sotodeh, 2001:128). نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی در پاسخ به این پرسش که چه عواملی باعث خرابکاری نوجوانان می‌شوند، اعتقاد دارند که این نوع رفتارها بستگی به میزان تعلقات و تقیدات نوجوانان نسبت به نهادها و سازمان‌های اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و بعضاً گروه‌های اجتماعی نظیر گروه‌های همسالان دارد. بر اساس پیش‌فرض‌های این نظریه، علت خرابکاری جوانان، از بین رفتن یا ضعف برخی از نیروهای اجتماعی مهارکننده می‌باشد. تراوس هیرشی از مهم‌ترین پایه‌گذاران نظریه‌ی کنترل اجتماعی است. به عقیده‌ی هیرشی، بزهکاری به‌عنوان مسأله‌ی اجتماعی باید به همان‌گونه که در اجتماع رخ می‌دهد، یعنی در عرصه‌ی خانواده، مدرسه، همسالان و سایر ارگان‌ها یا مؤسسات اجتماعی که نوجوان به نوعی در آن‌ها عضویت دارد، بررسی شود. او معتقد است بزهکاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به‌طور کلی از میان برود. او فرد بزهکار را شخصی می‌داند که از قیود اجتماعی آزاد است. در واقع به نظر وی بزه وقتی اتفاق می‌افتد که فرد

نسبت به قیدوبندهای اجتماعی کم‌اعتنا یا اصلاً بی‌اعتنا باشد (Meshkani, 2002:10). هیرشی در این الگو، خود را از این تحلیل دور‌کیم متأثر می‌بیند که مدعی است کجروی ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است (Giddens, 2013). از این‌رو خانواده و جامعه دو عامل اصلی در ایجاد این پیوند هستند (Momtaza, 2002:122). نظریه‌ی هم‌نوابی اجتماعی بر تأثیرات متقابل بین رفتار و محیط تأکید دارد و بر الگوهایی از رفتار متمرکز می‌شود که فرد آن‌ها را برای کنار آمدن با محیط در خود پرورش می‌دهد. در عین حال این نظریه همان‌گونه که نوع رفتار انسان را تعیین‌کننده‌ی پاسخ (خواه تشویق و خواه تنبیه) می‌داند، مدعی است که نوع پاسخ به نوبه‌ی خود بر چگونگی رفتار اثر می‌گذارد (Salimi and Davari, 2011:404). تأکید این نظریه بر خانواده و همسالان می‌باشد. بر اساس نظریه‌ی تعاملی، شرایط گفتگوی دو طرفه زمانی شکل می‌گیرد که کنش ارتباطی در مفهوم هابرماسی آن حضور داشته باشد که کنشگران در فضایی به دور از تنش نظرات خویش را تبادل کنند. هابرماس معتقد به شکل‌دهی فضای کنش ارتباطی است. در این هم‌کنشی، کنشگران از یکدیگر توقع دارند که اغراض و افعال متفاوتشان را از طریق اجتماعی که محصول ارتباط و مفاهمه است هماهنگ کنند، «زبان مشترک» این امکان را فراهم می‌آورد و در صورت بروز اختلاف نظر، برای جلوگیری از رفتار خشونت‌آمیز طرفین فقط باید به دلیل متوسل شوند. پس نیروی الزام‌آور اعمال گفتاری در گرو نیرومندی غیر خشن دلائل است. در این پژوهش رفتارهای خشونت‌آمیز نوجوانان به‌عنوان آسیب اجتماعی و فرهنگی که ریشه در عوامل فردی، خانوادگی و محیط اجتماعی دارد در نظر گرفته شده است. با توجه به بررسی پیشینه‌ها و دیدگاه‌های مربوط به حوزه‌ی خشونت، روند آن در جامعه و محیط دبیرستان‌ها رو به فزونی می‌باشد. در جمع‌بندی نظریات مرتبط با خشونت عوامل: ساختارهای جامعه، یادگیری اجتماعی از طریق مشاهده‌ی اعمال خشونت‌آمیز، میزان تعلق به نهادهای خانواده و مدرسه، ناکامی، معاشرت با دوستان ناباب و منحرف، یادگیری فرد از جامعه و از هم‌پاشیدگی هنجارها در شدت یافتن اعمال خشونت‌آمیز تأثیرگذار می‌باشند.



نمودار ۱: مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین

Figure 1: Strauss and Corbin paradigm model (Flick, 2012: 335)

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر، کیفی و از نوع «نظریه‌ی مبنایی» یا گراند تئوری^۱ است. در نظریه‌ی مبنایی با بکارگیری رویه‌های مشخص، دستیابی به نظریه‌ای آزمایشی و مبتنی بر داده را هدف قرار می‌دهد و در این زمینه از منطق استقرایی تبعیت می‌کند. در این روش مفاهیم، مقوله‌ها و گزاره‌های نظری اجزای اصلی نظریه‌ی مبنایی را تشکیل می‌دهند (Strauss & Corbin, 2006: 24). از نظر پارادایمی، تحقیق کیفی اصولاً مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی - برساخت‌گرایی اجتماعی است. بنابراین، فهم عمیق از نحوه‌ی برساخت و تفسیر تجارب کنشگران از خشونت، نیازمند مطالعه‌ی کیفی است. روش کیفی بر ماهیت، فرایندها و معنادهی تأکید می‌کند. در واقع ماهیت این روش اقتضاء می‌کند

¹ granded theory

رابطه‌ی بین محقق و موضوع شکل گیرد و بستر مطالعه بر روی روش تأثیر گذارد (Denzin & Lincoln, 2011). روش نظریه‌ی مبنایی که نظریه‌ی بازکاوی نیز خوانده می‌شود، برخلاف رهیافت قیاسی که با نظریه‌ای کلی شروع می‌شود و از فرضیه‌هایی برای آزمون تجربی سرچشمه می‌گیرد، کار خود را با مشاهده شروع می‌کند و سپس الگوها، مضامین یا مقوله‌های عام را پیش می‌نهد.

اصولاً در روش نظریه‌ی زمینه‌ای از سه نوع کدگذاری استفاده می‌شود. کدگذاری باز، محوری و گزینشی. اولین فعالیت‌های مربوط به فرایند کدگذاری، کدگذاری باز نامیده می‌شود (Strauss & Corbin, 2006: 58 & Tracy, 2013: 189).

با کدگذاری باز، به دنبال مقایسه و خرد کردن داده‌ها هستیم که به مفهوم‌پردازی و مقوله‌پردازی می‌انجامد. در کدگذاری محوری دست به تقلیل مفاهیم می‌زنیم تا به مقولات برسیم. مقولات قدرت مفهومی دارند، زیرا قادرند گروهی از مفاهیم یا خرده مقولات را به یکدیگر پیوند دهند. در واقع کدگذاری محوری ادامه‌ی کدگذاری مرحله‌ی اول یعنی کدگذاری باز است. در این مرحله، مقوله‌هایی که در مرحله‌ی کدگذاری باز تجزیه شده بودند در ترکیبی جدید به یکدیگر متصل و تعاریف اصلی خشونت استخراج و شرایط علی میان قربانی شدن و دلایل آن جست‌وجو گردید. سرانجام در مرحله‌ی پایانی یعنی کدگذاری گزینشی (انتخابی) مستلزم مرور، واری و پیگیری داده‌ها و کدهای قبلی بوده و به دنبال یافتن یک مقوله‌ی هسته و مرکزی هستیم که تمامی مقولات قبلی را در خود جای دهد. در این پژوهش سعی شد تا پیش‌فرض‌های نویسندگان وارد مصاحبه نگردد و از روش درون‌نگری همدلانه برای فهم معانی ذهنی کنشگران از مسأله‌ی خشونت استفاده شود تا بتواند موقعیت‌های اظهار شده را از دیدگاه خود آن‌ها درک نماید. در این مطالعه نیز این سه مرحله در تحلیل داده‌های کیفی اجرا گردیدند و در پایان یک مدل زمینه‌ای ارائه شده است که با کمک آن می‌توان به تحلیل عوامل مؤثر بر خشونت نوجوانان پرداخت. در روش کیفی برای ارزیابی از ملاک‌های اعتمادپذیری^۱، باورپذیری^۲، اطمینان‌پذیری^۳، انتقال‌پذیری^۴ و تصدیق‌پذیری^۵ استفاده می‌گردد (Flick, 2012: 420).

¹ truthworthines

² credibility

³ dependability

⁴ transferability

⁵ confirmability

به پیروی از همین ملاک‌ها، در این مطالعه تلاش شد، چنین ملاک‌هایی تا حد ممکن رعایت گردد. حضور محقق و تیم تحقیق در میدان، کنترل داده‌ها توسط اعضای میدان مورد مطالعه، تحمل و شکیبایی محققین از جمله مواردی است که می‌تواند به ارتقای کیفیت اعتبار در این تحقیق بینجامد. در پژوهش حاضر جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و راهبرد نمونه‌گیری نظری با ۱۷ نفر از نوجوان پسر ۱۴ تا ۱۹ ساله‌ی ساکن شهر دهلران صورت گرفته است. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های زیر حاصل چندین گام از قبیل اجرای مصاحبه‌ها، پیاده‌سازی، استخراج مفاهیم، تقلیل مفاهیم و سپس تشکیل مقولات محوری و در آخرین مرحله‌ی ساخت مقوله‌ی اصلی یعنی «خشونت نوجوانان به مثابه نمایش قدرت» بوده است. این مقوله به نوعی تمامی مقولات پیشین خود را پوشش داده و انتزاعی‌تر از آنان است. برای دستیابی به این مقوله‌ی اصلی محققین پس از بررسی‌های فراوان و رفت و برگشت بین کدهای باز و محوری و مشورت با متخصصان به مقوله‌ی اصلی رسیده‌اند.

تحقیق حاضر با انجام مصاحبه‌هایی به روش کیفی بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه در محل دبیرستان‌ها و هنرستان‌ها انجام شده است تا مشاهده‌ی رفتارها نیز بر غنای پژوهش بیفزاید. فرایند گردآوری اطلاعات تا مرحله‌ی اشباع نظری پس از انجام ۱۷ مصاحبه ادامه یافت. پس از پیاده‌سازی متن کلیه‌ی مصاحبه‌ها در پایان هر مصاحبه و غربالگری آن‌ها، تعداد ۴۱ کد باز (مفاهیم) استخراج و در مرحله‌ی بعدی در ۸ کد محوری (مقوله) مطابق جدول ۱ نهایی گردیدند.

جدول ۱: مراحل کدبندی: باز، محوری و گزینشی

Table 1: Coding Steps: Open, Central and Selective

مقوله‌ی هسته	کدگذاری محوری (مقوله‌ها)	کد باز (مفاهیم)
Nuclear Category	Axial Coding (Categories)	Open Code (Concepts)
صورت‌های بازنمایی خشونت	مقاومت و نافرمانی	درگیری ساختگی ایجاد می‌کنند تا پول بگیرند
		تازه به دوران رسیده‌اند و عقده‌هایشان را روی دیگران خالی می‌کنند
		درگیری و ایستادن در مقابل عوامل مدرسه
		فکر می‌کنن یک راه حله و کارشون راه می‌افته
		از این طریق خودشان را آرام می‌کنن و داغشان کمتر می‌شود
		حتی اگر حرف طرف مقابل درست باشد اصرار بر دیدگاه خود دارند
	قلدرمآبی اجتماعی	وانمود می‌کنند که لات هستند
		قیافه می‌گیرند
		بی‌احترامی به قوانین مدرسه می‌کنند
		وانمود می‌کنند زور دارند
		به زور انجام کار از دیگران خواستن می‌خواهند نشان دهند که دیگران از آنها می‌ترسند
	خودابرازی بدنی	دنبال برتری جویی هستند
		موتور بالای سر می‌برند
		می‌خواهند خودشان را بزرگ کنند
		از نظر قیافه و هیکل از بقیه قوی‌تر هستند
	میل‌طلبی و دگرآزاری جنسی	درخواست مسائل جنسی
		عقده‌ی جنسی دارند
		دنبال اذیت و آسیب‌رسانی جنسی به دیگران هستند
	تنش و امکان فروپاشی خانوادگی	مشکلات مالی خانواده
		تنش درون خانواده دارند
	تکلم تنازع‌آمیز	شوخی‌هایی می‌کنند که منجر به درگیری می‌شود
		جر و بحث در مورد فوتبال و مسائلی از این قبیل
		از تحقیر طرف مقابل لذت می‌برند
		مسخره‌بازی درمی‌آورند
		شوخی بی‌مزه می‌کنند
	برون‌ریزی ملتهبانه‌ی خشم	رفتار خشن و تند دارند

مقوله‌ی هسته	کدگذاری محوری (مقوله‌ها)	کد باز (مفاهیم)
<i>Nuclear Category</i>	<i>Axial Coding (Categories)</i>	<i>Open Code (Concepts)</i>
		با همه بد اخلاق هستند
		تمایل به بد رفتاری دارند
		بی‌احترامی کردن به دیگران برایشان کاری عادی است
	کاهش سطح تاب آوری اجتماعی	سریع عصبانی می‌شوند
		با خودشان هم درگیری دارند
		تعامل با دیگران ندارند
		رفتارشان متعادل نیست
		در برابر هر عملی، واکنش تند نشان می‌دهند و برای آن‌ها عادت شده
		کسی آن‌ها را تحریک کند جوگیر می‌شوند
		کم حوصله‌اند

شرایط علی

به حوادث، وقایع و اتفاق‌هایی که به وقوع و گسترش پدیده‌ای می‌انجامد دلالت دارد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۹۷). در این تحقیق مقوله‌های مقاومت و نافرمانی، خودابرازی بدنی و قلدرمآبی اجتماعی به‌عنوان شرایط علی شناسایی شده‌اند.

قلدرمآبی اجتماعی

این مقوله برگرفته از کدهای مفهومی: نمایش لات بودن، قیافه گرفتن، وانمود به زور داشتن، بی‌احترامی به قوانین مدرسه، ترساندن دیگران و به زور انجام کار از دیگران خواستن می‌باشد که با این اعمال در صدد نمایش و تثبیت قدرت خود در بین همسالان می‌باشند. نکته‌ی جالب توجه اینکه، در مصاحبه‌ها، همه‌ی پاسخگویان به شکل‌های گوناگون به این مقوله اشاره و به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار تأکید فراوانی داشته‌اند. رفتارها و اعمال قدرت‌نمایی و قلدرمآبی اجتماعی به‌عنوان شرایط علی خشونت در نظر گرفته شده است. در این قسمت به چندین مصاحبه اشاره می‌گردد:

مصاحبه شونده‌ای معتقد بود: [... این‌ها برای اینکه دیگران از شون حساب ببرن ادعای لاتی در میارن و می‌خواهند به‌عنوان یک فرد گنده لات خودشان را معرفی کنن تا مشهور بشن ...].

مصاحبه شونده‌ای دیگر معتقد بود: [... افراد خشن، زورگویی می‌کنن تا همه ازشون بترسن ...] .

مصاحبه شونده‌ای بیان نمود: [... بعضی‌ها دوست دارن دیگران همیشه در خدمت‌شان باشن و اگر برخلاف میل‌شان با آن‌ها رفتار شود به زور خواسته‌های خود را تحمیل می‌کنن ...] .

مقاومت و نافرمانی

این مقوله بر اساس کدهای مفهومی: درگیری ساختگی برای گرفتن پول و دیه، خالی کردن عقده‌هایشان روی دیگران، درگیری و ایستادن در مقابل عوامل مدرسه، پنداشتن خشونت به‌عنوان یک راه‌حل و اصرار بر دیدگاه خود ساخته شده است.

مصاحبه شونده‌ای معتقد بود: [... بیشتر افرادی شروری که می‌شناسم دنبال این هستن که با دیگران درگیر بشن و خراشی بردارن یا خودزنی می‌کنن تا پول بگیرن ...] .
مصاحبه شونده‌ای دیگر معتقد بود: [... این‌ها آدم‌هایی عقده‌ای هستن اگر سر مسئله‌ای با کسی مشکل پیدا کنن بهش گیر می‌دن و ول کن نیستن ...] .

خود/براززی بدنی

این مقوله برگرفته از کدهای مفهومی: برتری‌جویی، بزرگ کردن خود، نمایش حرکاتی مانند موتور بالای سر بردن، خود برتربینی، و ادعای زورگویی می‌باشد.
مصاحبه شونده‌ای دیگر اظهار نمود: [... هر وقت این‌ها را ببینی شر ازشون می‌باره، حرکات زیادی در میارن مثلاً لباس سیاه و گشاد می‌پوشن یا موتور بالای سر می‌برن ...] .
بر این اساس نوجوانان با توسل به شیوه‌های مختلف به دنبال تحمیل خواسته‌های خود بوده و سعی در تثبیت جایگاه خود به‌عنوان فردی برتر در بین همسالان خود می‌باشند.

شرایط زمینه‌ای

نشانگر یک سلسله شرایط خاصی است که در آن راهبردهای کنش / کنش متقابل انجام می‌شود (همان: ۱۰۲). در این تحقیق مقوله‌های کاهش سطح تاب‌آوری اجتماعی، تکلم تنازع‌آمیز و میل‌طلبی و دگرآزاری جنسی شرایط زمینه‌ای پژوهش را تشکیل داده‌اند.

کاهش سطح تاب‌آوری اجتماعی

این مقوله بر اساس کدهای مفهومی: سریع عصبانی شدن، خود درگیری، نداشتن تعامل با دیگران، عدم تعادل رفتاری، واکنش تند نشان دادن، سریع تحریک و جوگیر شدن و کم‌حوصلگی ساخته شده‌است که تحت عنوان کاهش سطح تاب‌آوری اجتماعی و به‌عنوان یکی دیگر از شرایط مداخله‌گر شناسایی گردیده است.

مصاحبه شونده‌ای معتقد بود: [... اول و آخرش بدبختیه اگر شروعش کنی راه برگشتی نیست درگیری‌های خودکار و از کنترل خارج شده اتفاق می‌افته ...].

اظهارات مصاحبه شونده‌ی زیر مطابق دیدگاه فوق است: [... کسانی می‌شناسم از همه شکایت دارند، دائم اظهار نگرانی می‌کنن حتی با خودشان هم درگیری دارن و شاکی هستن و همیشه عصبی و اهل درگیری هستن ...].

یا اظهارنظر این مصاحبه شونده: [... بعضی‌ها مشکل دارن و وقتی معلم‌ها در مورد تکلیف و یا تأخیر باشون صحبت می‌کنن عصبانی می‌شن ...].

از مصاحبه‌های بالا استنباط می‌گردد این نوع برخورد افراد در تعامل با دیگران و واکنش سریع نشان دادن ریشه در کاهش سطح تاب‌آوری اجتماعی و تحریک‌پذیری افراد دارد که در موقعیت‌های جدید به‌صورت رفتارهای خشونت‌آمیز نمود می‌یابد.

تکلم تنازع‌آمیز

این مقوله بر اساس کدهای مفهومی: انجام شوخی‌های منجر به درگیری، تحقیر دیگران، جر و بحث در مورد فوتبال و مسائلی از این قبیل، مسخره‌بازی و شوخی بی‌مزه ساخته شده‌است.

مصاحبه شونده‌ای معتقد بود: [... کسی از شوخی بدش میاد تبدیل به دعوا می‌شه ...].

پاسخ یکی از مصاحبه شندگان در این زمینه: [... می‌بینی وقتی دور هم جمع می‌شن و در مورد موضوعی مثل فوتبال بحث‌شون بالا می‌گیره و هیچ کدوم کوتاه نمی‌بان با هم درگیر کلامی می‌شن و حتی به زد و خورد و درگیری فیزیکی هم می‌رسه ...].

میل‌طلبی و دگرآزاری جنسی

این مقوله بر اساس کدهای مفهومی: درخواست مسائل جنسی، اذیت و آسیب‌رسانی جنسی به دیگران و داشتن عقده‌ی جنسی ساخته شده است.

مصاحبه شونده‌ای معتقد بود: [... در گذشته از نظر جنسی مورد تعرض قرار گرفته و پرخاشگر و بی‌اعصاب شده‌اند ...].

مصاحبه شونده‌ای دیگر بیان کرد: [... خشونت این‌ها ریشه در مسائل جنسی داره به دنبال اذیت و بی‌آبرو کردن دیگران هستن ...].

آنچه از دیدگاه شرکت‌کنندگان در رابطه با این مقوله‌های زمینه‌ای برداشت می‌شود این است که محیط زندگی و فرآیندهای جامعه‌پذیری در شکل‌گیری و تعدیل رفتار افراد نقش اساسی دارد.

شرایط مداخله‌گر

شرایط ساختاری که به پدیده تعلق دارند و بر راهبردهای کنش / کنش متقابل اثر می‌گذارند و راهبردهایی (استراتژی‌ها) را در درون زمینه‌ی خاصی سهولت می‌بخشند و یا آن‌ها را محدود می‌کنند (همان: ۱۰۴). در این تحقیق مقوله تنش و امکان فروپاشی خانوادگی و برون‌ریزی ملتهبانه خشم به‌عنوان شرایط مداخله‌گر تعیین شدند.

تنش و امکان فروپاشی خانوادگی

این مقوله بر اساس: مشکلات مالی خانواده و تنش‌های درون خانواده ساخته شده است.

مصاحبه‌ی یکی از پاسخگویان در این زمینه: [... خشونت این‌ها ریشه در مسائل خانوادگی داره، در خانه اتفاقی می‌افته میان در بیرون خالی‌اش می‌کنن ...].

مصاحبه شونده‌ی دیگری به صراحت اظهار نمود: [... وقتی افراد در خانواده، درگیر مشکلات و گرفتاری‌های مالی هستن از همه سرخورده شده و میزان تحمل اونها پایین میاد و پرخاشگر می‌شن ...].

برون‌ریزی ملتهبانه خشم

این مقوله بر اساس کدهای مفهومی: بداخلاقی با همه، داشتن رفتار وحشیانه و خشن، تمایل به بدرفتاری، عادی بودن بی‌احترامی به دیگران و به‌عنوان یکی از شرایط زمینه‌ای شناسایی گردیده است.

یکی از مصاحبه شونده‌گان عقیده داشت: [... به نظر من خشونت این قبیل افراد در تربیت درونی خانواده‌ی آن‌ها ریشه داره و بی‌احترامی کردن به دیگران براشون رفتاری عادی شده ...].

مصاحبه شونده‌ای دیگر اظهار نمود: [... در بحث خشونت محیط زندگی تأثیرگذاره یعنی ارتباطی که با همسالان هست، محیط‌های خانوادگی، همسایگی و دوستان، همه‌ی این‌ها در شکل دادن به رفتارهای خشن تأثیر دارن ...].

مصاحبه شونده‌ای دیگر بیان نمود: [... بعضی‌ها خودخواه هستن و در مقابل همه می‌ایستن و بدزبانی می‌کنن ...].

باورهای رایج در محیط پژوهش، رواج خشونت را توجیه می‌نماید، این باورها از دوران کودکی سعی در القای برتر بودن و سرآمد بودن از همسالان دارد، به‌گونه‌ای که هر فرد، خشونت و پرخاشگری در برابر هر حرکت و کنشی را واکنش طبیعی خود تلقی می‌نماید. با توجه به بافت سنتی و قومیتی، زمینه‌ی کنش‌های خشونتی بر رفتارهای مدنی غلبه دارد.

راهبرد (استراتژی)

استراتژی‌های ایجاد شده برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده‌ای، تحت شرایط مشاهده شده خاصی انجام می‌شوند (همان: ۱۰۵). تعامل‌ها، راهبردها یا فرایندها بیانگر آن دسته از تعامل و کنش‌هایی هستند که کنشگران در قبال آن شرایط بروز داده‌اند. در این پژوهش موارد زیر راهبردهای پدیده‌ی خشونت بوده است: تشکیل دسته‌ی بزهکاران، هنجارشکنی و ایجاد وحشت و ترس در محیط پیرامون.

مصاحبه‌ی یکی از پاسخگویان در این خصوص: [... افراد پرخاشگر و خشونت‌طلب برای اینکه به اهدافشون برسند به صورت جمعی گروه‌هایی تشکیل می‌دن و از این طریق سراغ سوژه‌هاشون می‌رن و با ایجاد ترس و تهدید و زد و خورد قربانی می‌گیرن ...].

در خصوص بکارگیری خشونت توسط نوجوانان علاوه بر نتایج زیانبار آن برای فرد، در سطح جامعه نیز عوارض منفی بر جای می‌گذارد زیرا نتایج مطالعات نشان می‌دهند که افراد خشن در دوران کودکی خودشان قربانی و شاهد خشونت بوده و در مراحل زندگی همان رفتارهای خشونتی را برای حل تنش‌ها و تعارض‌ها بکار می‌برند و باعث تداوم چرخه‌ی خشونت می‌گردند.

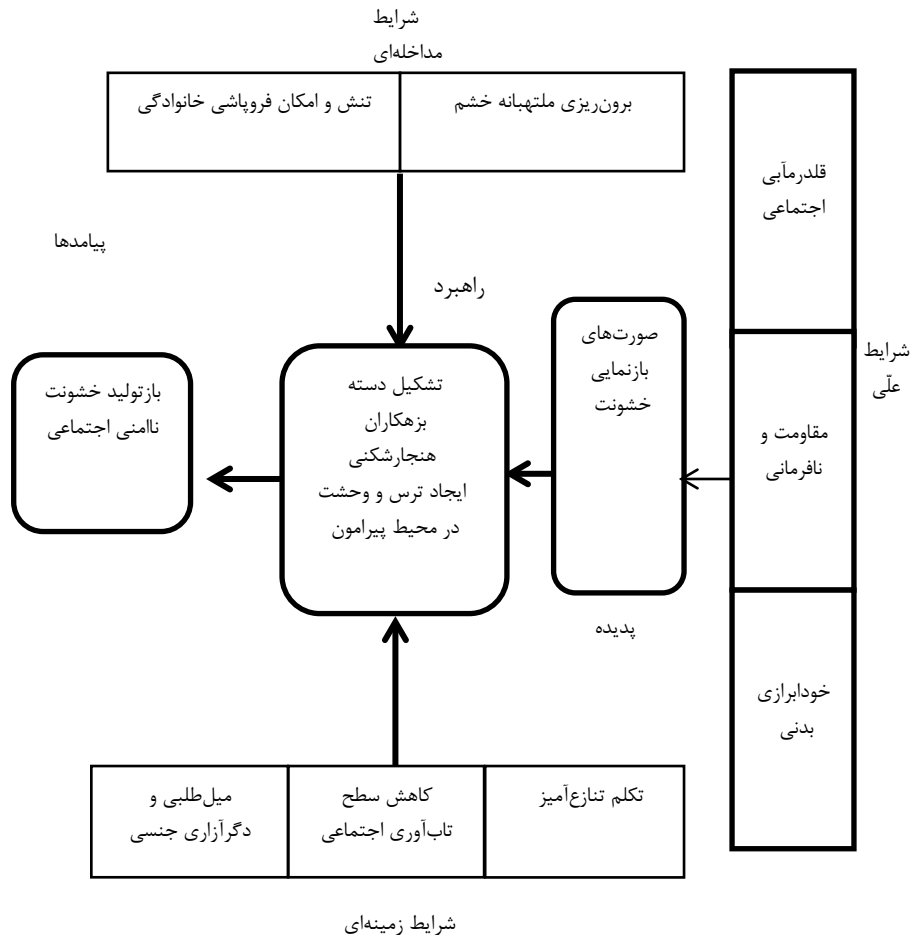
پیامدها

پیامدها بیانگر نتایج تعامل‌ها و راهبردهاست و تحت تأثیر شرایط مربوط به آن‌هاست (محمدپور: ۱۳۹۲، ۳۲۹). این مقوله تحت عنوان «بازتولید خشونت» و «ناامنی اجتماعی» برای افرادی که در این چرخه قرار می‌گیرند، نمود می‌یابد. بدین معنی که افراد بر اساس شرایط خانوادگی، وقتی تحت تأثیر محیط و گروه‌های دوستان قرار می‌گیرند باعث تداوم خشونت و ایجاد محیط اجتماعی ناایمن می‌شوند.

مقوله هسته‌ای پژوهش

در این پژوهش پس از انجام چندین گام شامل انجام مصاحبه، کدبندی اولیه، غربال‌گری و کدبندی انتخابی، نهایتاً مقوله هسته تحت عنوان «صورت‌های بازنمایی خشونت» انتخاب شد. مقوله هسته در فرآیند کدگذاری انتخابی خلق می‌شود. این نوع کدگذاری فرآیند یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها در جهت خلق نظریه است. محقق باید در داده‌ها غرق شود و به تعمق بپردازد تا بتواند پیوند بین مقوله‌ها را یافته، آن‌ها را پالایش داده، با هم یکپارچه کرده و نهایتاً نظریه را استخراج کند. مقوله هسته در بردارنده‌ی مضمون اصلی پژوهش است و از تمامی مقولات تحقیق منتزع می‌شود و می‌تواند در چند کلمه خلاصه شود به طوری که تمامی مقوله‌ها و مفاهیم به دست آمده را در برگیرد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۵).

بر اساس موارد بالا و مقولات استخراج شده می‌توان مقوله‌ی مرکزی پژوهش را «صورت‌های بازنمایی خشونت» نام‌گذاری کرد. چون توان تحلیل مقولات پیشین را دارد و از طرفی خشونت و اعمال آن به نوعی نمایشگر شکل‌های خشونت در موقعیت‌های مختلف است و لذا این مقوله در سطح انتزاعی‌تری قرار دارد. با توجه به مطالب گفته شده‌ی فوق، در نهایت مدل پارادایمی خشونت به شیوه‌ی زیر ترسیم شده است:



بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مسائل اجتماعی اصلی نوجوانان در همهی جوامع به‌خصوص جوامع در حال گذار، پدیده‌ی خشونت است که با سلامت فرد، خانواده و جامعه در ارتباط است. بررسی توزیع خشونت نشان از گستردگی آن در جامعه‌ی معاصر و فرهنگ‌های گوناگون دارد. با توجه به افزایش خشونت نوجوانان در سال‌های اخیر، این مسئله‌ی به یکی از جدی‌ترین آسیب اجتماعی در جامعه‌ی ایران تبدیل شده است. برای این منظور ۱۷ نفر از نوجوانان که تجربه‌ی خشونت داشته و یا شاهد آن بوده‌اند به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و

داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته به روش گراندد تئوری مورد بررسی قرار گرفت. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی پدیده‌ی خشونت در بین نوجوانان و علل شکل‌گیری و تداوم آن است. بنابراین سؤال اساسی و محوری پژوهش حاضر واکاوی عوامل دخیل در خشونت نوجوانان بوده و بر اساس پیگیری خط اصلی داستان در چارچوب مدل پارادایمی و با ارائه‌ی نظریه‌ی زمینه‌ای، «خشونت نوجوانان به مثابه نمایش قدرت» دنبال می‌شود. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات سهراب‌زاده و منصوریان راوندی (۱۳۹۶) مبتنی بر نقش یادگیری اجتماعی در بروز رفتارهای خشونت‌آمیز، محمدزاده و همکاران (۱۳۹۴)، نقش گسیختگی و آشفتگی خانواده و دست زدن به خشونت، بابائی و همکاران (۱۳۹۲)، همبستگی بین یادگیری اجتماعی در بستر محیط اجتماعی و خشونت رفتاری، گلچین و حیدری (۱۳۹۱)، تعلق به جامعه و نهادهای آن و کاهش خشونت، پارسامهر و همکاران (۱۳۸۹)، پیوند اجتماعی خانواده و کاهش خشونت، فاضل (۱۳۸۷)، تحقیر نوجوانان و ارتکاب خشونت، سهامی (۱۳۸۳)، پایبندی به قوانین و از بین رفتن خشونت، واندرا و همکاران (۲۰۱۷)، خشونت فیزیکی و عاطفی بین نوجوانان، گرشوف و کایلور (۲۰۱۶)، ارتباط رفتار پرخاشگرانه با کیفیت پایین رابطه‌ی والد - فرزندی، پاردینی و همکاران (۲۰۱۵)، محیط مدرسه و رفتارهای خشونت‌آمیز، پژوهش ساویر و همکاران (۲۰۱۵)، خشونت نوجوانان مدارس و تسری آن به جامعه، توایبه و الروف (۲۰۱۰)، مهارت‌های ارتباطی و تعدیل خشونت، رایت و فیتزپاتریک (۲۰۰۶)، نقش رفتارهای خشونت‌آمیز بر خانواده، محله و مدرسه، آکرس (۱۹۹۸)، مبتنی بر نقش خانواده و همسالان در شکل‌گیری رفتارهای خشونت‌آمیز و لونسیتین (۱۹۸۶)، عضویت در دسته‌های بزهکار و اعمال رفتارهای خشونت‌آمیز همخوانی دارد.

مقولات و قلدرمآبی اجتماعی، مقاومت و نافرمانی و خودابرازی بدنی به‌عنوان شرایط علی بر پدیده‌ی خشونت تأثیر فراوان دارند. «قلدرمآبی» گویای نمایش قدرت توسط افراد با روحیه‌ی خشونت‌طلبی است. این پدیده که در دوره‌ی نوجوانی با شدت بیشتری دیده می‌شود از طریق نماد و نشانه‌هایی که لازمه‌ی خشونت هستند اعمال می‌گردد. مفاهیم نمایش لات بودن، قیافه گرفتن، نمایش حرکاتی مانند موتور بالای سر بردن، بی‌احترامی به قوانین مدرسه و وانمود به زور داشتن به خوبی مقوله‌ی قلدرمآبی را پوشش می‌دهند. مقوله‌ی «مقاومت و نافرمانی» بیانگر ایستادگی فرد برای دستیابی به خواسته‌های خود از طریق رفتارهای پرخاشگرانه است و شامل مفاهیم درگیری ساختگی برای گرفتن پول و دیه، خالی کردن عقده‌هایشان روی دیگران، درگیری و ایستادن در مقابل عوامل مدرسه،

پنداشتن خشونت به‌عنوان یک راه حل، اصرار بر دیدگاه خود و عقده‌ای بودن است. «خودابرازی بدنی» نیز نشان‌دهنده‌ی حس برتری فرد و تحقیر دیگران در زمینه‌های مختلف است. کاهش سطح تاب‌آوری اجتماعی، تکلم تنازع‌آمیز و میل‌طلبی و دگرآزاری جنسی نیز به‌عنوان شرایط زمینه‌ای در این پژوهش شناسایی گردیده‌اند. «تاب‌آوری اجتماعی» گویای بروز ذخیره‌های رفتاری و فرهنگی فرد در تعاملات با دیگران است. بداخلاقی با همه، داشتن رفتار وحشیانه و خشن، تمایل به بدرفتاری و عادی بودن بی‌احترامی به دیگران، مفاهیم این مقوله را تشکیل داده‌اند. بر اساس نظریه‌ی یادگیری، فرزندان در دوران کودکی خشونت را از والدین خود یاد می‌گیرند که این فرآیند باعث یادگیری رفتار سلطه‌آمیز و اقتدارطلبانه می‌شود. به‌عبارتی، یادگیری خشونت، متأثر از مشاهدات فردی از رفتار دیگران است و در نتیجه این فرآیند، چنین افرادی از لحاظ اخلاقی ناقص خواهند ماند و تمایل بیشتر به رفتارهای خشونت‌آمیز دارند. «تکلم تنازع‌آمیز» بیانگر شوخی‌ها و بحث‌های نسنجیده‌ای است که منجر به درگیری می‌شوند. همچنین «میل‌طلبی و دگرآزاری» گویای عقده‌های جنسی هست که افراد پرخاشگر بر پیشانی خود دارند و به دنبال آسیب‌رسانی و بی‌آبرو کردن دیگران هستند. در این پژوهش، تنش و امکان فروپاشی خانوادگی و برون‌ریزی ملتهبانه‌ی خشم به‌عنوان شرایط مداخله‌گر که باعث تشدید خشونت می‌شوند، شناسایی گردیده‌اند. مقوله‌ی «تنش و امکان فروپاشی خانوادگی» بیانگر حمایت مالی خانواده از فرزندان، آرامش و صمیمیت درون خانواده است که نوجوانان دارای رفتارهای خشونت‌آمیز از این کانون محروم هستند و این عدم تعادل خانواده باعث بروز رفتارهای خشونت‌آمیز مضاعف می‌گردد. بر اساس نظریه‌ی انتقال بین نسلی که بر پایه‌ی نظریه‌ی یادگیری اجتماعی استوار است، افرادی که در خردسالی خشونت را در خانواده تجربه می‌کنند یا شاهد آن هستند، به احتمال زیاد در بزرگسالی آن را بکار خواهند گرفت. در واقع، فرزندان از والدین خود یاد می‌گیرند که چگونه خشونت بوزند. «برون‌ریزی ملتهبانه‌ی خشم» گویای عدم تحمل عقیده‌ی دیگران و نشان دادن تکانه‌های واکنش عصبی سریع است که به شکل انواع خشونت (کلامی و فیزیکی) نمودار می‌گردد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، خشونت تحت تأثیر مکانیسم خاصی که ترکیبی از فشارهای اجتماعی، روانی و اقتصادی است نمود می‌یابد، بنابراین پدیده‌ای چندبخشی و چندسطحی است و ریشه در متن مناسبات اجتماعی مختلفی دارد. خشونت عوارض و پیامدهایی خطرناک، طولانی‌مدت و بازتولیدی برای جسم و روح نوجوانان قربانی این پدیده

بر جای می‌گذارد، باعث بی‌زاری از مدرسه، افت تحصیلی و حتی ترک تحصیل فرد می‌شود و از نظر بهداشت روانی، افراد در معرض خشونت در سطح نازلی قرار می‌گیرند؛ همچنین میل به خودکشی در بین نوجوانان در معرض خشونت افزایش می‌یابد، از این‌رو اهمیت دادن به آن امری لازم و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. به نظر می‌رسد راه کنترل خشونت و پرخاشگری، جامعه‌پذیری مجدد و آموزش اخلاقیات از طریق عاملان جامعه‌پذیری مانند خانواده‌ها، مدارس، رسانه‌ها و غیره به افراد می‌باشد. در مجموع مطالعه‌ی حاضر با هدف بررسی کیفی پدیده‌ی خشونت در بین نوجوانان دبیرستانی سعی داشت تا درک روشنی از دلایل خشونت و گسترش آن فراهم نماید. از آنجایی که مدارس تا حدودی به‌عنوان محیط‌هایی امن در جامعه تلقی می‌شوند بنابراین وجود خشونت در سطح مدارس به منزله‌ی تداوم و بازتولید خشونت در دیگر عرصه‌ها و ساختارهای جامعه خواهد بود و موانعی جدی بر سر راه مدارس جهت تحقق اهداف نظام تعلیم و تربیت ایجاد کرده و در بلندمدت نظام اجتماعی را با چالش مواجه می‌نمایند. از این‌رو جهت کاهش خشونت در بین نوجوانان، ایجاد تغییرات بنیادی در ساختارهای جامعه و تغییرات هدفمند و برنامه‌ریزی شده در عوامل مهم جامعه‌پذیری و یادگیری اجتماعی، از جمله خانواده، نهادهای آموزشی و رسانه‌ها از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی، آموزش مهارت‌های ارتباطی و حقوق شهروندی، برای تغییر در روند کنونی خشونت نوجوانان و کاهش پرخاشگری در بین آن‌ها ضروری می‌نماید.

Reference:

Akers, R. (1998). *Social learning and social structure: a general theory of crime and deviance*. Boston, MA: Northeastern University Press.

ALahiari, A. A. (1997). *Determining Adolescent Aggression according to Personality Components and the Effect of Healing Methods on Aggression*, General Psychology Thesis, Tarbiat Modares University. (Persian).

Iman, M. T. (2012). *Methodology of Qualitative Research*, Qom, Research Institute and University. (Persian).

Azazi, S. (2001). *Domestic Violence*, Tehran: Sally Publishing. (Persian).

Babaei & et. al. (2013). "Factors and roots of violence among Azarshahr high school students", *Quarterly Journal of Iranian Social Sciences Studies*, 10 (39), pp. 1-12. (Persian).

Baby, E. (2007). *Research Methods in Social Sciences*, Translated by Reza Fazel, Tehran, Samat. (Persian).

Ball J. (2005). *The moderating effect of family factors on the relation ship between life time traumaerent exposure and jurenile delin quency in a sample of male jurenile offenders*, disser tation PHD Georgia stateuniversity .

Biasi, V., Mallia, L., Menozzi, F., & Patrizi, N. (2015). "Adaptive functioning and behavioral, emotional and social problems of Italian university students: Indications for the University Counseling Services", *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 205, 66-69.

Bandura, A. (1997). *Learning Theories*, translated by Farhad Maher, Shiraz, Rahe Gosha.

Darvishpour, M. (1999). "Why are men encouraged to use violence against women?", *Women's Journal*, 8(56), pp. 50-56. (Persian).

Denzin N.K, Lincoln Y.S. (2011). *The Sage handbook of qualitative research*. 4th ed. ed. Thousand Oaks: Sage.

Flick, O. (2012). *An Introduction to Qualitative Research*, translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney Publishing, Fourth Edition.

Gershoff E. T, Grogan-Kaylor A. (2016). Spanking and child outcomes: Old controversies and new meta-analyses, *Journal of Family Psychology*, Advance online publication.

Golchin, M & Heidari, A. H. (2012). "Interpersonal Violence and Social Capital in Family and School", *Social Issues in Iran*, 3(1), pp. 177-212. (Persian).

Giddens, A. (2013). *Sociology*, translated by Hassan Chavoshian, Tehran: Ney Publishing. (Persian).

Giddens, A. (1994). *Sociology*, translated by Manouchehr Saburi, Tehran, Ney Publishing, first edition. (Persian).

Hosseini Anjodani, M. (2008). "The effect of watching violent cartoons on adolescent aggression", *Quarterly Journal of Research and Evaluation*, Vol. 15, pp. 81-99. (Persian).

Joe, J. (2010). "Anger management", *Journal of family violence*. Vol. 21, pp. 334-351.

Karimi, Y. (2000). *Social Psychology*, Tehran, Arasbaran Publishing. (Persian).

Khazaei & et. al. (2011). "Compared the effectiveness of two methods of "strengthening and rewarding" and Ellis's therapeutic methodology on the level of aggression of homeless children", *Journal of Kermanshah University of Medical Sciences (Improvement)*, Vol. 15(6), pp. 404-415. (Persian).

Krug, E. M. (2002). "The report on violence and health", *Journal of Public Health*, 360(9339), pp: 1083-1088.

Meier, Robert F.; Clinard, M. B. (2008). *Sociology of Deviant Behaviour*. UK: Thomson Learning.

Meshkani, M. R. & Meshkani, Z. (2002). "Assessing the effect of internal and external factors of the family on delinquency", *Proceedings of the First National Conference on Social Injuries in Tehran*, Vol. 3, Tehran, Agha Publishing. (Persian).

Mohammadi Balbanabad, A. (2005). Assessment of the level of vandalism and related individual and social factors among students in the first district of Sanandaj city, M.Sc. thesis, University of Tabriz. (Persian).

Mohammadpour. A. (2013). *Anti-Methodical Qualitative Research Methods*, Vol. 1, Tehran, Sociologists. (Persian).

Mohammadpour. A. (2013). *Anti-Methodical Qualitative Research Method*, Vol. 2, Tehran, Sociologists. (Persian).

Mohammadzadeh et al. (2015). Reasons for some racist behaviors by students of Ilam Azad University, Second National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies. (Persian).

Mohseni Tabrizi, A. (2004). *Vandalism*, Tehran, An publication. (Persian).

Mumtaz, F. (2002). *Social Deviations Theories and Perspectives*, Publishing Sehamei Company. (Persian).

Parsamehr & et. al. (2010). The relationship between social bond created by family and interpersonal violence of male adolescents in Yazd, *Quarterly Journal of Family Studies*, 6 (21), pp. 71-86. (Persian).

Pardini, D., Waller, R. & Hawes, S. (2015). "Familial influences on the development of serious conduct problems and delinquency, In J. Morizot & L. Kazemian (Eds.)", the development of criminal and antisocial behaviour, 201-220.

Ritzer, G. (1998). "Sociological theories in the contemporary era, translated by Mohsen Thalasi, Tehran: Scientific Publications.

Sahami, S. (2004). "Delinquency and sabotage", *Journal of New Psychotherapy*, 5(17&18), pp. 106-123. (Persian).

Salimi, A & Davari, M. (2011). *delinquency Sociology*, Qom, Hoze Research Institute and University. (Persian).

Sawyer, A. M., Borduin, C. M., Dopp, A.R. (2015). Long-term effects of prevention and treatment on youth antisocial behavior: a meta-analysis, *Clin. Psychol. Rev.*

Sepidnameh & et. al. (2016). Identifying the reasons for dropping out of primary school students in the Mosayan Education and Training Area (rural areas), *Local Development Quarterly*, 8 (1), pp. 167-198. (Persian).

Sohrabzadeh, M and Mansoorian Ravandi, F. (2017). "Women's Life Experience from Verbal Violence (Case Study: Women in Kashan)", *Women's Quarterly in Culture and Art*, 9(2) pp. 245-264. (Persian).

Sotoudeh, H. (2002). *Social Pathology (Sociology of Deviations)*, Tehran, Avae Noor. (Persian).

Strauss, A & Corbin, J. (2006). *Principles of Qualitative Research Methods: Fundamental Theory, Procedures and Methods*, translated by Buick Mohammadi, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. (Persian).

Taracy, S. (2013). *Qualitative research methods*, publication: Welly blackwel.

Talebpour, A. (2017). "A Study of Factors Affecting Domestic Violence with Emphasis on Abuse of Spouse (Case Study; Urban and Rural Areas of Ardabil Province)", *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 6(11), pp. 27-49. (Persian).

Thawabieh, A. M., Ahmed Al-rofo, M. (2010). "Vandalism at boys scholls in jordan", *journal of educational science*, 2(1), pp:41-46.

Wandera et al. (2017). Violence against children perpetrated by peers: A cross-sectional. School-Based Survey in Uganda *Child Abuse & Neglect* 68 (2017) 65–73.

Wright, Darlene R., and Kevin M. Fitzpatrick (2006). "Social capital and adolescent violent behavior: Correlates of fighting and weapon use among secondary school students", *Social Forces* 84 (3), 1435-1453.

Yazdkhasti, B & Shiri, H. (2008). "Values of patriarchy and violence against women", *Quarterly Journal of Women's Studies*, 6 (3), pp. 55-79. (Persian).

Qualitative Study of the Causes and Backgrounds of High School Violence among Adolescents

Mehran Sohrabzadeh (Ph.D)¹ and Mohammad Soleimannejad²

DOI: 10.22055/qjsd.2020.15699

Abstract:

In recent years, the phenomenon of violence among adolescents has become a major concern for sociologists, families, and education experts. This study aims to provide a qualitative study of the phenomenon of violence among high school adolescents in order to provide a clear understanding of the causes and grounds for violence and its spread at the school level. Theoretical considerations of the research have been developed based on the views of sociologists and theories related to social harms. This research has been done by qualitative method and grand theory approach. The sampling method was purposeful with a theoretical sampling strategy and the data collection method was a semi-structured in-depth interview with 17 students studying in high schools and vocational schools in Dehloran. The findings consist of 37 conceptual codes and 8 main categories including social bullying, resistance and disobedience, physical self-harm, decreased level of social resilience, conflicting speech, sexual desire and alteration, stress and the possibility of family breakdown and inflammatory outbursts of anger. "Forms of Representation of Violence" are named after the categories.

Key Concepts: Granded Theory, Violence, Social Resilience, Resistance-Compensation, Family Issues

¹ Associate Professor, Department of Social Sciences, Kashan University, Kashan, Iran, ms3102002@yahoo.com

² Ph.D student in Sociology of Social Affairs, Kashan University, Kashan, Iran (Corresponding Author), msdt59@yahoo.com

